

برای درک قوانین و مقررات و ورود به دنیای حقوق آشنایی با مقدمه علم حقوق و کلیات آن ضروری است. بدون فهم این مطالب مطالعه قوانین و مقررات تاثیرچندانی نخواهد داشت:

***معنای حقوق:** از چند دیدگاه می توان واژه حقوق را معنا کرد:

۱. مجموعه قوانین و مقرراتی که بر زندگی اجتماعی ما حاکم است: قانون مدنی، قانون شهرداری، قانون ثبت، قانون مجازات اسلامی برای تنظیم زندگی اجتماعی است.
۲. حقوق جمع حق است. بمعنی توانایی و امتیازی که برای افراد جامعه به رسمیت می شناسیم. حقوق فردی مانند حق ازدواج، حق حیات، حق مالکیت، حق اشتغال
۳. حقوق به مفهوم دستمزد، اجرت، حق السعی

***اهداف حقوق:** در طول تاریخ پاسخهای متعددی به این سوال داده شده که هدف حقوق وقواعد حقوقی چیست؟

۱. تحقق عدالت: حقوق برای نیل به عدالت و حمایت از حقوق و آزادی های فردی ایجاد گردیده است.
۲. حفظ نظم و امنیت: دولت‌ها برای ایجاد ثبات و آرامش در جامعه و حفظ نظام سیاسی و اجتماعی قواعد حقوق را به وجود آورده اند. هر دو نظر فوق مورد تایید است. رسالت حقوق، تحقق عدالت و حفظ نظم امنیت است.

***اوصاف حقوق:** قواعد حقوقی بایدهو ویژگیهای ذیل را دارا باشد:

۱. الزامی بودن: دنیایی حقوق، دنیای اجبار و الزام است نه پند و اندرز، در حقوق صحبت از باید و نباید امر نهی است.
۲. ضمانت اجرا: اگر قاعده ای ضمانت اجرا نداشته باشد، قاعده ی حقوقی نیست. ضمانت اجرا گاه کیفری است مانند: اعدام، زندان، شلاق، جریمه نقدی..... و گاه حقوقی است یعنی اعمال انجام شده باطل اعلام می گردد: معامله مجنون باطل است، طلاق بدون شاهد باطل است.
۳. عمومی بودن: قواعد حقوقی ناظر به عموم است و به فرد خاصی نظر ندارد. رهبر، رئیس جمهور، نمایندگان، وزیران در قانون اساسی ذکر گردیده است و به فردی معینی اشاره ندارد. در قوانین عادی نیز همه ی مردم مخاطب هستند.

***تقسیمات رشته حقوقی:** شاخه های حقوق بسیار متنوع است ولی از سه منظر می توان آن را طبقه بندی کرد:

۱. حقوق عمومی و حقوق خصوصی: حقوق عمومی قوانین و مقرراتی است که روابط مردم مردم با دولت را بیان می کند. مانند: حقوق اساسی، حقوق اداری، حقوق جزا، حقوق مالی، حقوق کار..... دولت در این مقررات حاکمیت خویش را اعمال می کند. حقوق خصوصی قواعد حاکم بر روابط اشخاص است مانند حقوق تجارت، حقوق مدنی (بیع، اجاره، وکالت)

۲. حقوق ملی و حقوق بین المللی:

قوانین و مقرراتی که در یک سرزمین معین لازم اجرا است حقوق ملی گویند. قواعد و مقررات بین کشورهای جهان یا سازمانهای بین المللی را حقوق بین المللی گویند.

۳. حقوق تطبیقی:

مقایسه نظامهای حقوقی جهان و استفاده از دستاوردها و امتیازات آنان در این رشته مطالعه می گردد:

- حقوق کشورهای اسلامی: منبع حقوق در کشور های اسلامی قرآن، سنت، اجماع و عقل میباشد.

- حقوق کشورهای کمونیستی: پس از فروپاشی شوروی سایر کشورها کمونیستی هم تدریجا نظام سیاسی خویش را تغییر دادند و از اهمیت این نظامهای سیاسی کاسته است .

حقوق کشورهای رومی-ژرمنی: احترام به حقوق و آزادهای فردی و اهمیت قانون در این کشورها بسیار مورد تاکید است: آلمان و فرانسه.....

حقوق عرفی (common law) انگلیس, امریکا, کانادا, استرالیا..... رویه قضایی و عرف در این کشورها اهمیت بسزایی دارد.

*** منابع حقوق:** در این قسمت عوامل سازنده حقوق معرفی می گردد. قواعد و مقررات حقوقی یک کشور از عناصر ذیل ایجاد می گردد.

۱. قانون: قانون مهمترین منبع حقوق کشورهاست که می توان به شرح ذیل طبقه بندی نمود:

* قانون اساسی: قانون اساسی اقتدار زمامداران را تنظیم و حقوق و آزادیهای مردم را تضمین می کند. قانون اساسی توسط مجلس خبرگان تدوین و با رای مردم تصویب گردیده، مهم ترین قانون کشور ایران است. اگر سایر قوانین مغایر قانون اساسی باشد، بی اعتبار است.

* قوانین عادی: مصوبات مجلس شورای اسلامی که به تایید شورای نگهبان رسیده باشد. مجلس شورای اسلامی پیشنهاد نمایندگان (طرح) یا پیشنهاد دولت (لایحه) را بررسی کرده، پس از تصویب به شورای نگهبان ارسال می کند. این شورا ظرف ۱۰ روز نظر خود را در مورد عدم مغایرت مصوبه مجلس با قانون اساسی و موازین اسلام اعلام می کند. در صورت تایید مصوبه از سوی شورای نگهبان، رئیس جمهور موظف است ظرف ۵ روز آن امضاء و برای اجرا ابلاغ نماید. پس از امضاء رئیس جمهور، روزنامه رسمی قانون را منتشر نموده به اطلاع عموم می رساند. قوانین ۱۵ روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجرا است.

قوانین آزمایشی کمیسیونهای داخلی مجلس، نتایج همه پرسی و عهدنامه های بین المللی نیز در حکم قانون می باشند. قوه مجریه مکلف به اجرای قانون است و اگر کارمندی از اجرای قانون جلوگیری نماید از خدمت منفصل خواهد گردید. قوه قضائیه نیز باید در دادگاه ها قانون را اجرا کند. احکام دادگاه ها باید مستدل و مستند بوده قضات حق صدور احکام عمومی و کلی ندارند. هم چنین در صورت استتکاف از احقاق حق از شغل قضایی منفصل می گردند.

* * * مقررات دولتی: قوه مجریه می تواند برای اداره ی بهتر کشور و اجرای قانون مقرراتی تصویب نماید:

آئین نامه: گاه هیات وزیران در راستای اجرای قانون معین، مقرراتی تصویب می نمایند که آن را آئین نامه اجرایی گویند و گاه بدون اینکه قانون آنها را مکلف کرده باشد به صورت مستقل قواعدی را به تصویب می رسانند که آن را آئین نامه مستقل گویند.

تصویب نامه: تصمیمات هیات وزیران که جنبه معین و موردی داشته و به صورت ماده واحده است تصویب نامه گویند مثال: هیات وزیران مقرر نموده: نشان دانش به دکتر کاتوزیان اعطا گردد.

بخشنامه: تعلیمات عام و ارشادی مقامات مافوق به کارمندان را بخشنامه گویند: ساعت کار در ماه مبارک رمضان، تکریم ارباب رجوع، حجاب بانوان.....

بخشنامه خارج از دستگاه اداری تاثیری ندارد. اگر مقررات دولتی مغایر قانون باشد بی اعتبار است.

* قانون شکلی و ماهوی:

قوانینی که مربوط به صورت خارجی اعمال حقوقی، تشریفات اسناد، دادرسی و اثبات دعوی است قوانین شکلی و قوانینی که حق را ایجاد می کند و آن را انتقال داده یا حذف می کند، قانون ماهوی است مانند: مجازات ها، وصیت، ارث، شرایط صحت معاملات....

* قانون امری و تکمیلی:

قوانین مربوط به نظم عمومی که در همه حال اجرای آن الزامی است قوانین امری است مانند: حقوق اساسی، حقوق جزا، حقوق اداری، مقررات مربوط به خانواده.....

اما مقرراتی که هدف از وضع آن حفظ منافع خصوصی افراد باشد قانون تکمیلی است. قوانین امری مطلقاً لازم الاجرا است اما می توان برخلاف قوانین تکمیلی، تصمیم گیری نمود. مثال: بخش مهمی از قرارداد هادرقانون مدنی خیار است (ماده ۳۹۶) اما می توان سقوط آنها را شرط نمود (ماده ۴۴۸) *قاعده فقهی قبح عقاب بلا بیان: بیانگر آن است که مجازات بدون اعلام قبلی ناپسند است .

مقررات جدید باید منتشر گردیده به اطلاع عموم برسد. پس از آن، ادعای جهل به قانون پذیرفته نمی شود. *نسخ قانون: اگر قانون جدید جایگزین قانون قدیم گردد، نسخ قانون صورت می پذیرد. قانون جدید نسخ و قانون قدیم منسوخ و بی اعتبار است. همان مرجعی که قانون را تصویب کرده است می تواند آن را نسخ کند. معمولاً در ماده آخر قوانین صراحتاً قوانین قبلی و مغایر، منسوخ و ملغی اعلام می گردد.

قانون گاه عام است و گاه خاص، قانون عام جدید، قانون عام قدیم و قانون خاص جدید، قانون خاص قدیم را نسخ می کند. *تفسیر قانون: قانون نمی تواند تمام زوایای زندگی را پیش بینی کند. بعلاوه پیشرفت های جامعه در زمینه های گوناگون و ظهور مسائل جدید تفسیر قانون را الزامی می سازد. تفسیر قانون به اعتبار مرجع تفسیر کننده:

تفسیر قانونی: تفسیر قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان و تفسیر قانون عادی بر عهده مجلس شورای اسلامی است. تفسیر قضایی: قضات دادگاه ها در رسیدگی و صدور رای می توانند تفسیر خاص از قانون ارائه کنند. تفسیر شخصی: دانشمندان و حقوقدانان می توانند نظرات و انتقادات خود پیرامون قوانین و مقررات را ارائه کنند. (۲) عرف: پس از قانون، عرف مهمترین منبع حقوق است. قواعدی که به تدریج میان مردم تکرار گردیده و آن را الزامی بدانند، عناصر عرف عبارتند از:

عنصر مادی: تکرار عمل در طول زمان
عنصر روانی: الزام آور دانستن رعایت آن
قلمرو عرف در نظام حقوقی کشور به شرح ذیل قابل بررسی است:

*موارد رجوع صریح به عرف:
گاه قانونگذار صراحتاً استفاده از عرف را مورد تأکید قرار داده است. مواد ۳۳۲ و ۲۲۰ قانون مدنی. *موارد رجوع ضمنی به عرف:
گاهی عباراتی در قانون بکار رفته است که به طور ضمنی و غیر مستقیم مراجعه به عرف را مورد تأکید قرار می دهد: اخلاق حسنه، قیمت عادلانه، مهلت عادلانه (مواد ۲۷۷، ۱۶۷، ۹۷۵ قانون مدنی). *قواعد عرفی مستقل:

بسیاری از قواعد عرفی مستقلاً ایجاد گردیده و تدریجاً به قانون تبدیل می گردد: سر قفلی، مقررات حقوقی بین الملل..... (۳) رویه قضایی: رویه قضایی از رای دادگاه ایجاد می گردد. دادگاه ها درباره مسائل حقوقی روشی را انتخاب نموده و تکرار می کنند که رویه قضایی گویند و در زمره منابع حقوق است. قضاوت و وکلاد رویه قضایی نقش دارند. هم چنین دیوان عالی کشور آراء وحدت رویه قضایی صادر می کند. موارد دخالت رویه قضایی:

*نقص قانون: اگر قانون نتواند همه اعمال و وقایع را در برگیرد ناقص است و باید از رویه قضایی بهره گرفت. مثلاً مواد ۳۳۴ و ۳۳۳ قانون مدنی در مورد وسایل نقلیه ناقص است و قانون مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ در مورد کراک و شیشه که امروزه متداول است ناقص است.

*سکوت قانون: گاه قانون در موضوع خاصی هیچ حکم و اشاره ای ندارد. مثلاً مهلت اجرای قانون در خارج از کشور *اجمال قانون: گاهی عبارت قانون بدون عیب و نقص است اما نمی توان حکمی از آن استخراج نمود. مثلاً واژه خلل در ماده ۲۰۱ قانون مدنی

***تناقض قوانین: اگر دو قانون مخالف یکدیگر باشند و اجرای یکی مستلزم نقض دیگری باشد تناقض یا تعارض میان آنها وجود می آید. مثلا ماده ۲۱۲ قانون مدنی معاملات غیر رشید را باطل و ماده ۱۲۱۴ این معاملات را غیر نافذ می داند.

۴) **اصول کلی حقوقی:** اصول و مسلمات پذیرفته شده نزد ملل متمدن حقوقی مانند: رد امانت، نفي ظلم، منع توسل به زور، جبران خسارت،... در زمره منابع حقوق محسوب می گردد.

۵) **دکترین:** عقاید علما و حقوقدانان برجسته در رشته های متعدد حقوق به تدریج در قوانین و مقررات وارد می گردد یا مورد استفاده قضات و وکلا قرار می گیرد.

قلمرو اجرای حقوق: می خواهیم بدانیم حقوق تا چه محدوده سرزمینی و تا چه زمانی لازم اجرا است؟

۱. قلمرو حقوق در مکان:

قوانین مربوط به نظم و امنیت، قراردادها و تنظیم اسناد، درون مرزی است یعنی در محدوده سرزمین هر کشور که شامل خشکی، آبهای ساحلی و فضای بالای کشور می باشد لازم الاجرا می باشد. در مقابل، قوانین احوال شخصیه مانند سن، جنس، قیمومیت، نکاح، طلاق،... برون مرزی است. به عبارت دیگر هر فرد در هر کشوری باشد در احوال شخصیه تابع قانون ملی کشور خویش است. (مواد ۷ و ۶ قانون مدنی)

۲. قلمرو حقوق در زمان:

هر قانونی تا زمانی که نسخ نگردیده لازم الاجرا است. به موجب قاعدهء عطف بما سبق نشدن قوانین، قانون ناظر به آینده است و به گذشته سرایت نمی کند (ماده ۴ قانون مدنی)

استثنائات این قاعده:

*** اگر در خود قانون ترتیب خاصی ذکر شده باشد.

*** قانون تفسیری که توضیح و تفسیر قانون گذشته است.

*** قانون مربوط به حذف یا تخفیف مجازاتها به لحاظ رعایت عدالت و ارفاق به گذشته سرایت می کند (ماده ۱ قانون مجازات اسلامی)

اعمال و وقایع حقوقی: رویدادهایی که در زندگی اجتماعی رخ می دهد به دو دسته تقسیم می گردد:

۱) **وقایع حقوقی:** اموری که خارج از اراده انسان است اما دارای آثار حقوقی است مانند تولد و مرگ

۲) **اعمال حقوقی:** اموری که ارادی بوده و دارای آثار و پیامدهای حقوقی است:

*** عقد (قرارداد یا معامله) که با اراده دو طرف ایجاد می گردد مانند بیع، اجاره، نکاح

*** ایقاع: عمل حقوقی که با اراده یک طرف انجام می گردد مانند طلاق، ابراء...